



درباره معنای اجتماعی حضور عشایر با برنو در تجمعات مردمی

تفنگ دسته نقره، ایل، وطن

گزارش

مرجان فندی

گروه گزارش

ایرانیان در مقاطع مختلف تاریخی بارها در تجمعات و راهپیمایی‌ها کنار هم ایستاده‌اند و حضور خود را در صحنه‌های اجتماعی نشان داده‌اند. در روزهای جنگ تحمیلی دشمن صهیونی-آمریکایی و همزمان با آتش‌بس، تصاویری از عشایر برنو به دست در خیابان جمهوری یاسوج

رحمان، یکی از عشایر حاضر در این تجمع که تفنگ برنو بردوش دارد، درباره دلیل حضور خود می‌گوید: «برنو برای ما فقط یک اسلحه نیست؛ از گذشته در میان ایل نصاد غیرت، شجاعت و دفاع از سرزمین بوده است. پدران و بزرگان ما با همین تفنگ‌ها از خاک و ایل خود دفاع می‌کردند و امروز هم ما با همان روحیه در کنار مردم ایستاده‌ایم.»

او با اشاره به حضور مردم در تجمعات این شب‌ها می‌گوید: «وقتی می‌بینیم مردم از جوان و پیر گرفته تا بچه‌های کم‌سن، کنار هم جمع می‌شوند، ما هم احساس مسئولیت می‌کنیم که در کنارشان باشیم. عشایر همیشه در لحظه‌های مهم کنار مردم و کشورشان بوده‌اند و امروز هم حضور ما ادامه همان راه است.»

این مرد عشایر به برنوی در دستش اشاره می‌کند و توضیح می‌دهد: «برنو، تاریخ و فرهنگ ایل ما را نشان می‌دهد؛ فرهنگی که بر پایه دفاع از سرزمین، همبستگی و وفاداری بنا شده است. دشمن باید بداند ما آمده‌ایم تا نشان دهیم پیوند میان عشایر با بقیه مردم همچنان محکم است و همه ما برای دفاع از وطن مان آماده هستیم.»

رحمان به حضور جوانان و زنان در میدان اشاره می‌کند و می‌گوید: «ما فقط برای ایل مان نمی‌جنگیم، ما از تمام ایران دفاع می‌کنیم. ما وقتی در کنار مردم می‌ایستیم، احساس می‌کنیم همه با هم یک صدا هستیم. شاید هر کدام از ما از یک قشر یا طایفه باشیم، اما در چنین شرایطی همه برای یک هدف مشترک که دفاع از ایران است، کنار هم قرار می‌گیریم.»

همه قلب‌مان برای ایران می‌تپد

حضور عشایر در تجمعات شبانه در استان‌های مختلف فقط به مردان برنو به دست محدود نبود؛ زنان عشایر هم با پوشش سنتی خود در این جمع‌ها حاضر شدند. اردشیری، یکی از زنان عشایر که همراه خانواده‌اش به این تجمعات می‌رود، می‌گوید: «مردم ایران همیشه در سختی‌ها کنار هم بوده‌اند. وقتی پای دفاع از سرزمین و مردم در میان باشد، زن و مرد فرقی ندارد، همه آماده‌ایم.»

اردشیری به لباس محلی خود که نمادی از عشایر منطقه یاسوج است، اشاره می‌کند و توضیح می‌دهد: «این لباس‌ها یادگار مادران و مادربزرگ‌های ما هستند. وقتی با این پوشش در میان مردم می‌ایستیم، انگار تاریخ و فرهنگ ایل‌مان را هم با خودمان آورده‌ایم. زندگی عشایری آسان نیست. ما با کوچ، سرما و گرما و سختی‌های زیادی روبه‌رو هستیم، اما همین زندگی به ما یاد داده صبور باشیم و در کنار هم زندگی کنیم.» این زن عشایری می‌گوید: «حضور ما عشایر در چنین جمع‌هایی فقط نمادین نیست، ما آمده‌ایم نشان دهیم عشایر هم بخشی از جامعه هستند و همه ما دل‌مان برای ایران می‌تپد.»

تقویت وحدت ملی

قرار گرفتن

اقتدار مختلف

در یک میدان

مشترک،

به تدریج

فاصله‌های

ذهنی و

آنها را کاهش

می‌دهد. چنین

تجربه‌هایی

می‌تواند زمینه

شکل‌گیری

اعتماد و هم‌دلی

میان گروه‌های

مختلف جامعه

را فراهم کند

به گفته این جامعه‌شناس، این تجمعات نشان می‌دهد که می‌توان در عین حفظ هویت محلی و قومی، در سطحی گسترده‌تر برای یک هدف ملی کنار هم ایستاد؛ موضوعی که خود بیانگر نوعی همبستگی اجتماعی در میان اقشار و گروه‌های مختلف جامعه است. مودنی، درباره نقش تفنگ برنو و پوشش سنتی عشایر در این تجمعات که مورد توجه مخاطبان داخلی و خارجی قرار گرفته می‌گوید: «در جامعه‌شناسی به چنین عناصری نمادهای هویت‌بخش گفته می‌شود؛ نشانه‌هایی که به یک گروه اجتماعی کمک می‌کند هویت و پیشینه فرهنگی خود را به نمایش بگذارد.» او با بیان اینکه پوشش سنتی عشایر در چنین موقعیت‌هایی معنایی فراتر از یک لباس ساده دارد، توضیح می‌دهد: «در حالی که لباس‌های رسمی و نظامی معمولاً برای یکسان‌سازی افراد و کم‌رنگ کردن تفاوت‌های فردی به کار می‌روند، لباس سنتی عشایر کارکرد متفاوتی دارد و نشان‌دهنده هویت مستقل فرهنگی آنهاست. عشایر با حفظ پوشش محلی خود در چنین صحنه‌هایی تأکید می‌کنند که با هویت فرهنگی و ریشه‌های ایل خود در این حضور مشارکت دارند.»

برنو فقط یک سلاح نیست این جامعه‌شناس می‌گوید: «برای عشایر، برنو فقط یک سلاح نیست، در واقع این تفنگ بخشی از تاریخ و حافظه جمعی آنها است. این تفنگ در فرهنگ ایل نمادی از شجاعت، دفاع از سرزمین و ادامه راه نسل‌های پیشین است و همین مسأله باعث می‌شود در چنین موقعیت‌هایی معنایی نمادین پیدا کند.» مودنی با تأکید بر اینکه استفاده از این نمادها بیشتر از آنکه یک عادت ساده یا رفتار ظاهری باشد، نوعی بیان فرهنگی است، می‌گوید: «عشایر با نمایش این نشانه‌ها می‌خواهند نشان دهند با تمام پیشینه و سنت‌های خود در کنار جامعه حضور دارند و هویت فرهنگی‌شان بخشی از هویت گسترده‌تر ملی است.» به اعتقاد او، همین نمادها به حضور عشایر در چنین فضاهایی معنا و روایت فرهنگی می‌بخشد. او در این باره می‌گوید: «چنین حضورهایی را می‌توان نشانه‌ای از تغییر در شیوه بیان اجتماعی عشایر بدانیم. در گذشته ارتباط و نمایش قدرت و هویت عشایر بیشتر در محدوده ایل و منطقه خودشان شکل می‌گرفت، اما امروز حضور در میدان‌های ملی و در کنار سایر اقشار جامعه نشان می‌دهد این شیوه بیان

چنین شرایطی به فضایی برای همدلی و همگرایی اجتماعی تبدیل شده‌اند؛ جایی که افراد با پیشینه‌ها و دیدگاه‌های متفاوت در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند. حضور اقشار مختلف در میدان، بیانگر پیوندهای اجتماعی میان مردم است؛ پیوندی که تفاوت‌های صنفی، نسلی و طبقاتی را در سایه یک دغدغه مشترک کمرنگ می‌کند. حضور همزمان گروه‌های مختلف، تصویری روشن از همبستگی اجتماعی ارائه می‌دهد و نشان می‌دهد میدان‌های شهری می‌توانند محل شکل‌گیری یک صدای جمعی باشند.

تفاوت در یک میدان مشترک حضور پیدا می‌کنند، این پیام شکل می‌گیرد که سرنوشت آنها به یکدیگر گره خورده است و مسائل ملی می‌تواند همه اقشار جامعه را تحت تأثیر قرار دهد.» این جامعه‌شناس با تأکید بر اینکه چنین فضاهایی نمونه‌ای از وحدت در عین تفاوت را به نمایش می‌گذارد، می‌گوید: «در این نوع همگرایی اجتماعی، هر گروه با همان هویت، تجربه و ویژگی‌های خاص خود در کنار دیگران قرار می‌گیرد؛ به گونه‌ای که تفاوت‌های اجتماعی، اینجا همبستگی را تقویت می‌کند. قرار گرفتن اقشار مختلف در یک میدان مشترک، به تدریج فاصله‌های ذهنی و اجتماعی میان آنها را کاهش می‌دهد. چنین تجربه‌هایی می‌تواند زمینه شکل‌گیری اعتماد و همدلی میان گروه‌های مختلف جامعه را فراهم و نوعی پیوند اجتماعی عمیق‌تر میان آنها ایجاد کند.»

این جامعه‌شناس درباره ظرفیت‌های این نوع مشارکت‌ها برای انسجام اجتماعی می‌گوید: «این حضورهای مشترک فرصتی بسیار مهم برای جامعه فراهم می‌کنند تا افراد به درک متقابل برسند. وقتی گروه‌های مختلفی مثل عشایر، شهروندیان، دانشجویان و کارگران در یک فضا کنار هم قرار می‌گیرند، هر کدام فرهنگ، زبان رفتاری و تجربه‌های زیسته خود را به همراه می‌آورند که همین موضوع زمینه‌ساز کاهش سوءتفاهم‌ها و شکل‌گیری احترام متقابل می‌شود.» او معتقد است این همنشینی به مردم کمک می‌کند تا متوجه شوند ایران از شیوه‌های مختلف زیستن تشکیل شده و هیچ سبک زندگی خاصی بر دیگری برتری مطلق ندارد. مودنی این فهم مشترک را پایه اصلی گفت‌وگوی ملی می‌داند و می‌گوید: «در چنین فرآیندی، افراد یاد می‌گیرند تنوع فرهنگی و سبک‌های مختلف زندگی را به عنوان بخشی از هویت کشور بپذیرند و به آن احترام بگذارند.» این جامعه‌شناس می‌گوید: «قرار گرفتن در یک تجربه مشترک، نوعی همدلی میان قشرها ایجاد می‌کند. به عنوان مثال وقتی یک دانشجو، فداکاری و سخنی‌های زندگی عشایر را از نزدیک لمس کند، نگاهش به آنها تغییر می‌کند و متقابلاً عشایر هم با نقش و دغدغه‌های طبقات تحصیل‌کرده بیشتر آشنا می‌شوند. این تبادل نگاه باعث می‌شود ارتباطات از سطح رسمی خارج شده و به یک پیوند انسانی واقعی تبدیل شود.»

سه دستاورد کلیدی

مودنی با تأکید بر اینکه چنین مشارکت‌هایی سه دستاورد کلیدی از جمله شکستن کلیشه‌ها و فاصله‌های طبقاتی، تقویت احترام به تنوع فرهنگی و ساختن حس «ما» بودن در سطح ملی دارد، می‌گوید: «جامعه از این طریق می‌آموزد تفاوت‌ها تهدید نیستند و اگر به درستی دیده شوند، می‌توانند به نقطه قوت و یک سرمایه اجتماعی ارزشمند تبدیل شوند.»

مودنی درباره نقش جامعه‌شناسی در فهم پیوند میان سنت، هویت محلی و کنش اجتماعی می‌گوید: «جامعه‌شناسی کمک می‌کند رفتارهای اجتماعی را فقط در ظاهر نبینیم و بتوانیم معنای پنهان پشت آنها را درک کنیم. وقتی عشایر با لباس محلی و تفنگ برنو در اجتماع حضور پیدا می‌کنند، این حضور صرفاً یک کنش ظاهری یا نمایشی نیست و حامل پیام‌های هویتی و فرهنگی است.» او توضیح می‌دهد: «نگاه جامعه‌شناسی به این رویداد نشان می‌دهد سنت برای بسیاری از گروه‌های محلی و ایلی، یک یادگار بی‌استفاده از گذشته نیست؛ حضور اقشار مختلف منبغی زنده برای احساس تعلق، اعتمادبه‌نفس و حرکت اجتماعی است. برای این افراد، نمادهایی مثل لباس محلی یا تفنگ برنو یادآور تاریخ، شجاعت و تجربه نسل‌های پیشین است و همین موضوع به حضور آنها معنا و قدرت می‌دهد.» این جامعه‌شناس با تأکید بر اینکه از منظر جامعه‌شناختی، هویت محلی و هویت ملی در تضاد با یکدیگر قرار ندارند، می‌گوید: «هویت ایلی و محلی می‌تواند همانند ریشه‌های یک درخت عمل کرده و انسجام و استحکام هویت ملی را تقویت کند. گروه‌های محلی زمانی که مشارکت واقعی در جامعه دارند حضور داشته باشند.»

مودنی می‌گوید: «این نمادها زبان اجتماعی این گروه‌ها هستند. عشایر با استفاده از پوشش سنتی و نمادهای تاریخی خود می‌خواهند این پیام را منتقل کنند که با حفظ اصالت فرهنگی‌شان همچنان بخشی از جامعه و هویت ملی کشور هستند. چنین حضورهایی نشان می‌دهد قدرت و انسجام یک جامعه زمانی بیشتر می‌شود که گروه‌های مختلف اجتماعی بتوانند با حفظ تفاوت‌ها و ویژگی‌های فرهنگی خود، در کنار یکدیگر قرار بگیرند و در حیات اجتماعی و ملی مشارکت داشته باشند.»

هویت ایلی و محلی می‌تواند همانند

ریشه‌های یک

درخت عمل

کرده و انسجام

هویت ملی را

تقویت کند.

گروه‌های محلی

زمانی احساس

مشارکت واقعی

در جامعه دارند

که بتوانند با

حفظ ویژگی‌ها

و نمادهای

فرهنگی خود

در عرصه‌های

اجتماعی حضور

داشته باشند



به سطحی گسترده‌تر رسیده است.» به گفته این جامعه‌شناس، عشایر در این فضاها از همان مؤلفه‌های سنتی خود مانند شجاعت، روحیه جنگاوری و نمادهای فرهنگی استفاده می‌کنند، اما پیام آنها دیگر محدود به فضای ایلی نیست و مخاطب آن کل جامعه است. مودنی در این باره توضیح می‌دهد: «این حضور نوعی اعلام مشارکت در سرنوشت جمعی کشور به شمار می‌آید. با چنین حضوری، عشایر نشان می‌دهند که فقط گروهی در حاشیه جغرافیایی یا اجتماعی نیستند. آنها خود را بخشی از بدنه جامعه و دارای سهمی در آینده کشور می‌دانند.»

او درباره حضور همزمان اقشار مختلف مردم در یک میدان مشترک می‌گوید: «چنین صحنه‌هایی را می‌توان نشانه شکل‌گیری نوعی «ما» جمعی در جامعه دانست. در شرایط عادی هر گروه اجتماعی در فضای خاص خود زندگی می‌کند؛ دانشجو در محیط دانشگاه، شهروند در زندگی شهری و عشایر در زیست‌بوم ایلی خود. اما در موقعیت‌هایی که یک مسأله یا دغدغه ملی مطرح می‌شود، این فاصله‌ها کاهش می‌یابد و گروه‌های مختلف در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند.»

او توضیح می‌دهد: «چنین حضوری در درجه اول بیانگر نوعی احساس هم‌سرنوشتی میان مردم است. وقتی افراد با پیشینه‌ها و سبک‌های زندگی

